

۱۵۰۳۱۵۶

اندیشه سیاسی در ایران باستان

دکتر شجاع احمدوند

دکتر روح‌الله اسلامی

تهران

۱۳۹۶

سرشناسه: احمدوند، شجاع، ۱۳۴۵-
عنوان و نام پدیدآور: اندیشه سیاسی در ایران باستان / شجاع احمدوند، روح‌الله اسلامی؛ [به سفارش].
شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی.
مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: هفده، ۲۵۴ ص.؛ مصور
فروست: «سمت»؛ ۲۰۵۳. علوم سیاسی؛ ۶۶.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۲-۰۴۰۸-۲ ۱۲۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:
Shoja Ahmadvand, Rouhollah Eslami. Political Thought in Ancient Iran.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۴۵-۲۵۲.

موضوع: ایران - سیاست و حکومت - پیش از اسلام
موضوع: Iran -- Politics and Government -- To 633
موضوع: علوم سیاسی - ایران
موضوع: Political Science -- Iran
موضوع: ایران - تاریخ - پیش از اسلام
موضوع: Iran -- History -- To 633
شناسه افزوده: اسلامی، روح‌الله، ۱۳۰۴-
شناسه افزوده: شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی.
شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.
The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ۸ الف ۳ / DSR

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۲۸۵۰۵



اندیشه سیاسی در ایران باستان
دکتر شجاع احمدوند (دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی) و دکتر روح‌الله اسلامی (استادیار دانشگاه فردوسی مشهد)
سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی و شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی
چاپ اول: بهار ۱۳۹۶
تعداد: ۵۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سمت
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال. در این قیمت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.
نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.
www.samt.ac.ir info@samt.ac.ir

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران، نشر یا پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبتنی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مباحثی و مسائل این علوم است. ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها» را، که به اختصار «ست» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی برای تکمیل این مقصود (بازنگری و تدوین سرفصل‌ها و منابع علمی معتبر با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی)، در تاریخ ۸۸/۷/۲۱ یک شورای تخصصی را با عنوان «شورای تخصصی تحول و سیاست‌گذاری و نظارت در حوزه علوم انسانی تعیین کرد» و آیین‌نامه تشکیل شورای تخصصی تحول و ارتقاء علوم انسانی را به تصویب رساند.

شورای تحول پس از تدوین رهنمودها و توصیه‌های آموزشی دروس و سرفصل‌های جدید رشته‌های علوم انسانی، تألیف متون درسی دانشگاهی را مطابق با سرفصل جدید با دعوت از اندیشمندان و اساتید برجسته دانشگاهی و حوزه‌ای در دستور کار خود قرار داد.

سازمان «سمت» به عنوان عضوی از اعضای شورای تحول با سابقه طولانی و تجربه موفق چندین دهه خویش در تألیف و ترجمه منابع علوم انسانی و کنارسامویریت مصوب خویش در تحقق اهداف شورای تحول نیز همکاری نزدیک داشته و در تمامی مراحل تدوین از قبیل تعیین مؤلف، نظارت بر تأمین محتوا و ارزیابی‌های علمی و آموزشی به صورت مشترک با شورای تحول همکاری دارد؛ علاوه بر آن، عهده‌دار مراحل نشر متون نیز می‌باشد.

دشواری تألیف متون درسی دانشگاهی بر اهل نظر پوشیده نیست و به همین جهت در این راه نیل به کمال مطلوب می‌باید به تدریج و پس از انتقادات و یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که استادان محترم از همیاری و راهنمایی دریغ نورزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این دو نهاد را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در دوره کارشناسی به عنوان منبع اصلی درس «اندیشه سیاسی در ایران باستان» به ارزش ۲ واحد تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
۱	فصل اول: الگوهای مطالعه اندیشه سیاسی در ایران باستان
۲	۱. علل اهمیت ایران باستان
۴	۱-۱. جود تفکر حکمی در ایران باستان
۸	۱-۲. وجود شهرهای مستقل
۱۱	۱-۳. وجود قانون اساسی در شرق باستان
۱۶	۲. گونه‌شناسی سیاست و جایگاه ایران باستان
۱۶	۱-۲. سیاست سنتی
۱۸	۲-۲. سیاست مدرن
۱۹	۳-۲. سیاست پسمدرن
۲۳	۳. الگوهای شناخت اندیشه سیاسی در ایران باستان
۲۳	۱-۳. الگوی پدیدارشناسی
۲۵	۲-۳. الگوی مارکسیستی
۲۷	۳-۳. الگوی تاریخی
۲۹	۴-۳. الگوی الهیات - ادبیات
۳۰	۵-۳. الگوی اسطوره‌شناختی
۳۱	۶-۳. الگوی سیاست‌نامه‌ای
۳۴	۷-۳. الگوی انقلابی
۳۵	۸-۳. الگوی غایت - مشروعیت
	بخش اول: هخامنشیان و تأسیس نظریه ابرانشاهی
۴۳	فصل دوم: غایت سیاست در عصر هخامنشی
۴۴	۱. اسطوره؛ بنیاد اندیشه سیاسی در ایران باستان
۴۵	۱-۱. ماهیت سرزمینی اسطوره‌های ایرانی
۴۶	۲-۱. جماعت‌محور بودن اسطوره‌ها
۴۷	۳-۱. زاینده‌گی و آبادانی‌محور بودن اسطوره‌ها
۴۸	۴-۱. دروغ‌پرهیزی و راست‌تلفی اسطوره‌های ایرانی

۴۹	۵-۱ اسطوره‌های ایرانی و توجه ویژه به زنان
۵۱	۲. خیر و شر؛ هستی‌شناسی سیاست در ایران باستان
۵۱	۱-۲ اهورامزدا و اهریمن
۵۲	۲-۲ امشاسپندان
۵۹	۳-۲ ایزدان
۶۴	۳. غایت سیاست؛ نظم مبتنی بر هم‌نوایی با هستی
۶۹	۴. برجسته‌سازی مفهوم و خصال شاه آرمانی در اندیشه ایرانی
۶۹	۱-۴ تساهل
۷۱	۲-۱ دالت (قوانین حمورابی و دیائوکو)
۸۴	فصل سوم: کیستی حکمران در عصر هخامنشی
۸۸	۱. نژاد و مراتب حکمت
۹۰	۲. مبنای مذهبی حکم - (مردم‌داری)
۹۰	۱-۲ پادشاه باید ورد آید - رند باشد
۹۱	۲-۲ نظام دینی نیک‌خدا - نظام اسی غیر دینی
۹۱	۳-۲ استواری حکومت به پادشاه اهورامزدا
۹۲	۴-۲ مشروعیت سیاسی حکومت مذهبی رده - شکی به اهورامزداست
۹۳	۵-۲ نظام حکومت موروثی امری الهی - دمی شود
۹۳	۶-۲ قدرتمند بودن نیروهای شر در ساخت قدرت - حامنی
۹۴	۷-۲ هم‌پیوندی دین و دولت در ایران باستان
۹۴	۳. صفات کیفی حکمران
۱۰۲	فصل چهارم: چگونگی اعمال قدرت در دولت هخامنشی
۱۰۴	۱. راستی - دروغ
۱۰۵	۲. آبادانی - خشکسالی
۱۰۵	۱-۲ چنش جایگاه‌ها
۱۰۶	۲-۲ ایزار تشریفات
۱۰۹	۳-۲ شیوه‌های ارتباطی
۱۱۰	۴-۲ نظارت و ارزیابی شبکه جاسوسی
۱۱۰	۵-۲ روش‌های اقتصادی
۱۱۱	۳. دوست - دشمن
۱۱۲	۱-۳ تقسیم‌بندی ایالت‌ها
۱۱۲	۲-۳ رواداری و تمرکززدایی برای افزایش دوست

۱۱۴	۳-۳ سرکوب دشمنان داخلی و برقراری امنیت
۱۱۴	۴-۳ سرکوب دشمنان خارجی و برقراری امنیت
۱۱۷	فصل پنجم: حق اعتراض در دولت هخامنشی
۱۱۹	۱. دستگاه بوروکراتیک دولت هخامنشی
۱۲۲	۲. تفرقه در هرم حاکمیت و شورش برضد شاه
۱۲۶	۳. سرکوب ایالت‌های شورشی و برآمدن دوباره شاه اشون
۱۳۰	۴. سرآغاز زوال هخامنشیان
۱۳۱	۱-۴ برجسته‌سازی قتل و شکنجه در برابر شورشگران
۱۳۱	۲-۱ تکیه بر ادبیات دینی به عنوان عنصر مشروعیت‌بخش دولت
۱۳۲	۳-۲ تکیه بر تعادل اقوام، مذاهب و زبان‌ها
۱۳۳	۴-۱ تأکید بر اینکه دروغ‌مبنای شورش است

بخش دوم: شرح پاشی نظریهٔ ایران‌شاهی و تأسیس نظام ملوک‌الطوایفی

۱۳۷	فصل ششم: ساختار و اهداف قدرت در دولت اشکانی
۱۴۱	۱. غایت امر سیاسی
۱۴۴	۱-۱ پیوند اندیشهٔ یونانی و نظریهٔ ایران‌شاهی
۱۴۶	۲. کیستی حاکم اشکانی
۱۴۶	۱-۲ اخلاق پهلوانی
۱۴۷	۲-۲ شاهنشاهی مشروط
۱۴۸	۳. مشروعیت سیاسی حکومت اشکانی
۱۴۹	۱-۳ فره
۱۵۱	۲-۳ نژاد
۱۵۱	۳-۳ تربیت
۱۵۶	۴-۳ داد و دهش (عدالت)
۱۵۸	۴. محدودیت‌های اعمال قدرت
۱۵۹	۱-۴ نهادهای اعمال قدرت
۱۶۱	۲-۴ محدودیت‌های هنجاری اعمال قدرت
۱۶۳	۳-۴ محدودیت‌های نهادی اعمال قدرت

بخش سوم: ساسانیان و تجدید نظریهٔ ایران‌شاهی

۱۶۷	فصل هفتم: غایت سیاست در دولت ساسانی
۱۶۹	۱. بنیادهای فلسفی/اوستا

۱۶۹	۱-۱ نفی خرافه گرایی
۱۷۱	۲-۱ تحول از اسطوره به مذهب
۱۷۳	۳-۱ ستایش آزادی
۱۷۵	۴-۱ بهشت و جهنم
۱۷۶	۵-۱ نگاه قدسی به تاریخ
۱۷۷	۶-۱ زندگی اشون
۱۷۸	۷-۱ اخلاق معنای زندگی است
۱۷۹	۸-۱ زندگی محور بودن اندیشه زرتشت
۱۸۰	۲. نتایج بنادهای فلسفی اوستا در حوزه سیاست
۱۸۰	۲ تمرکزگرایی سیاسی؛ شهرب به جای ساتراپ
۱۸۲	۲-۲ جامعه آرمانی، شر آرمانی و انسان آرمانی
۱۸۴	۳-۲ رسالت یافتن دین زرتشت
۱۸۵	۴-۲ شاه آرمانی فرستاده در رأس هرم قدرت سیاسی
۱۸۷	۵-۲ نظام خویشاوندی: بنای بنیادیم کار اجتماعی
۱۸۹	۶-۲ پیوند دین و سیاست
۱۹۲	فصل هشتم: کیستی حاکم در دولت ساسانی
۱۹۴	۱. نژادگی
۱۹۶	۲. عنایت‌مندی الهی
۱۹۹	۳. تربیت شاهی
۲۰۰	۴. مهارت و کاردانی
۲۰۲	۵. نیک‌اختری
۲۰۳	۶. مردم‌پسندی
۲۰۶	فصل نهم: چگونگی اعمال قدرت در دولت ساسانی
۲۰۹	۱. ساختار قدرت در کتاب عهد اردشیر
۲۱۲	۲. چگونگی اعمال قدرت در عهد اردشیر
۲۱۲	۱-۲ اعتدال در حکمرانی
۲۱۳	۲-۲ کاربرد زور به موقع و در هنگام نیاز
۲۱۳	۳-۲ استوار کردن حکومت بر دادگری و عدالت
۲۱۴	۴-۲ بهره‌گیری از نظام طبقاتی
۲۱۴	۵-۲ مهار تندروی‌های رعیت
۲۱۵	۶-۲ آینده‌نگری به واسطه تعیین ولیعهد
۲۱۵	۷-۲ استفاده مقتدرانه از ابزار جنگ در برابر مهاجمان

۲۱۶	۳. چگونگی اعمال قدرت در نامه تنسر
۲۱۶	۱-۳ تکیه بر مشروعیت دینی
۲۱۷	۲-۳ حراست از اخلاق طبقاتی
۲۱۸	۳-۳ بهره‌گیری از نظام تنبیه جسمی در موقع ضرورت
۲۱۹	۴-۳ استفاده هوشمندانه از روابط خارجی
۲۲۰	۵-۳ روش‌های تکمیلی اعمال قدرت
۲۲۳	فصل دهم: حق اعتراض در دولت ساسانی
۲۲۴	۱. جایگاه و نقش مردم در خرد مزدایی
۲۲۴	۱-۱ اصلاح زوال اخلاقی جامعه
۲۲۶	۲-۱ آیت و مهار اخلاقی مردم
۲۲۷	۱-۲ رفتار براساس متون فقهی و کلامی زرتشتی
۲۲۷	۴-۱ تأکید بر دادرسی و وارونه اعتقادی
۲۲۹	۵-۱ بهشت، پادشاه مردم و جامعه غیر معترض
۲۳۰	۶-۱ جهنم، پادشاه مردم و جامعه معترض
۲۳۱	۷-۱ سرکوب، پیاده‌نظام حاکم اقتصادی و اجتماعی مازاد
۲۳۲	۸-۱ شورشگر شناخته شده، پیام اعتراض به جایگاه طبقاتی
۲۳۴	۹-۱ فرزندآوری، کارویژه ادلی زنان دوره ساسانی
۲۳۶	۲. شورش عرفانی مانی
۲۳۷	۱-۲ نفی روش دنیاگرایانه موبدان
۲۳۸	۲-۲ مبارزه با رویکرد جنگ طلبانه دولت ساسانی
۲۳۸	۳-۲ ارائه روایتی متساهل و جهانی از زرتشتیت
۲۳۹	۳. شورش اجتماعی مزدک
۲۴۰	۱-۳ اشتراک در اموال
۲۴۰	۲-۳ اشتراک در زنان
۲۴۲	۳-۳ طرح اعتراض شهروندان برضد قدرت برای نخستین بار
۲۴۳	۴-۳ سرکوب غیر انسانی مزدکیان توسط انوشیروان
۲۴۵	کتابنامه
۲۵۳	نمایه

مقدمه

مطالعات ایرانی حتی در میان متفکران ایرانی نیز غریب است؛ اگر امروز از اندیشمندان ایرانی بخواهید در مورد پسامدرنیسم، مارکسیسم، روشنفکری غربی و حتی اندیشه‌های رایج در جهان عرب بنویسند، صرف‌نظر از کیفیت نوشته‌های آن‌ها، می‌توان صدها نویسنده مشتاق پیدا کرد که علاقه‌مندند درباره ابعاد و مختصات این اندیشه‌ها آثار متعدد خلق کنند. اما تعداد پژوهشگرانی که در زمینه اندیشه سیاسی ایران بنویسند به عدد انگشتان دست هم نمی‌رسد؛ این در حالی است که فهم و شناخت اکنون هر جامعه و از جمله جامعه ایرانی در گرو شناخت انتقادی گذشته است. تاریخ ایران تاریخی سراسر خلاقیت و نوآوری است و از همه مهم‌تر نظام سیاسی این شاهان است که از سوی بزرگ‌ترین نویسندگان جهان از جمله هگل به عنوان نخستین نظام سیاسی مقتدر از آن یاد شده است. بنابراین این نوشته سعی کرده است با تکیه بر منابع اصیل و جامد مانده و رویدادهای تاریخی ایران باستان دورنما و تصویری نوین از اندیشه سیاسی ایران باستان ارائه دهد. این کتاب بر آن است که نشان دهد ایرانیان با درون‌مایه پیوند دین و سیاست ساختی از اندیشه سیاسی رئیس‌محمور را ارائه داده‌اند که تا دوران مدرن نیز تداوم دارد. این کتاب به ضرورت به دو نکته در باب اهمیت موضوع و روش پژوهش اشاره می‌کنیم.

نخست، درباره اهمیت اندیشه سیاسی ایران باستان، تردید گفت که ایران واژه‌ای است برگرفته از ایرن، ایر، اران، آریا به معنای سرزمین نجیب‌انسان. بیکی‌ها، خوبی‌ها که از دوران باستان تاکنون به سرزمین، ملت و نظام سیاسی ایران اطلاق شده است (شهبازی، ۱۳۹۵: ۵۸). شاهان هخامنش خود را شاهنشاه ایران و دارای نسب آریایی می‌دانستند، به‌ویژه داریوش و خشایارشا از تعلق خود به دودمانی می‌بالیدند که آن را ایرانی می‌خواندند. آن‌ها خود را ایرانی و از دودمان آریا و آریاچیه اعلام می‌کردند، مواردی که در کتیبه بیستون نیز تکرار شده است. کارگزاران کلیدی ساسانی به انتهای منصب خود ایران را اضافه می‌کردند؛ برای مثال شاه شاهان ایران و انیران، ایران آمارگر، ایران همبرآگبد، ایران دبیربد، ایران درست‌بد، ایران سپاه‌بد (نیولی، ۱۳۹۵: ۵۱). در عهد

ساسانیان آثار یونانی توسط اردشیر بابکان در پارس کنار زده شد و به علت هجوم افکار هلنیستی، فرهنگ مسیحی و بودایی کارگزاران ساتراپ فارس (استخر) با همدستی موبدان زرتشتی ایرانشهر را احیا کردند (قرشی، ۱۳۸۹: ۲۶۴). بازگشت سیاسی و ملی ایرانیان توسط ساسانیان صورت پذیرفت و آنان در سنگ‌نوشته‌ها، کتیبه‌ها، متون ادبی و اندرزنامه‌ها خود را شاهنشاه ایرانشهر می‌نامیدند. ایران بار دیگر شکوه و قدرت یافت و سیستم متمرکز به همراه شهرهای سازمان‌یافته، نظام مقتدر و خویشکار ایران را شکل داد. دین زرتشت که قبل از مادها رگه‌های اهورایی و اسطوره‌ای آن شکل گرفته و در زمان هخامنشیان مذهب شاهان بود به ایدئولوژی رسمی ساسانیان تبدیل شد. خرد مزدایی با قدرت‌گیری موبدان و نزدیکی آن‌ها به نظام سیاسی دارای کتاب، دستور، قواعد و سازوکار فرهنگی حکمرانی گردید.

ساسانیان نجات سیاسی و توسعه کارآمدی ایرانشهر را رقم زدند. آن‌ها با همسایگان خود با هدف دفاع و توسعه اندیشه ایرانشاهی تکنیک‌های مختلفی اتخاذ کردند. با چین تجارت و با روم در ابتدا جتک کردند و سپس از در صلح درآمدند، قبایل راهزن شرق ایران را سرکوب کردند و در برابر اعراب یار-اثل و واحدهای سیاسی دست‌نشانده‌ای قرار دادند تا از هجوم اقوام دارای عصبیت به شرق، زیست غنیمت‌محور داشتند جلوگیری کنند. نظام سیاسی ایرانشاهی و تاریخ باشکوه آن مورد توجه اندیشمندان متعددی قرار گرفته، از جمله ویلیام فردریش هگل از بزرگ‌ترین فیلسوف تاریخ نگاهی کاملاً تمجیدگرایانه به نقش سیاسی ایران در بنیان‌گذاری جهان نو داشته است و در این باره می‌نویسد:

از دیدگاه سیاسی، ایران زادگاه نخستین امپراتوری راسین، حکومتی کامل است که از عناصر ناهمگن فراهم می‌آید. در اینجا فرهنگی یگانه مردمان بسیار را دربرمی‌گیرد ولی این مردمان فردیت خود را در پرتو حاکمیت یگانه نگاه می‌دارند. این امپراتوری نه همچون امپراتوری چین پدرشاهی و نه همچون امپراتوری هند ایستا و بی‌جنبش و نه همچون امپراتوری مغول زودگذر و نه همچون امپراتوری عثمانی بنیادش بر ستمگری است. برعکس در ایران ملت‌های گوناگون در عین آنکه استقلال خود را نگه می‌دارند به قانون یگانگی بخشی وابسته‌اند که می‌تواند آنان را خشنود سازد. قوانین عامی که در دولت ایران وضع می‌گردید در عین آنکه برای همگان الزام‌آور بود به ویژگی‌های قومی گزند نمی‌رساند، بلکه حتی از آن‌ها پشتیبانی و نگاهبانی می‌کرد، به نحوی که هر یک از اقوام پدیدآورنده آن امپراتوری نظام سیاسی خاص خود را داشت. با امپراتوری

ایران نخستین گام را به پهنه تاریخ پیوسته می‌گذاریم. ایرانیان نخستین قوم تاریخی هستند. امپراتوری ایران همچون امپراتوری گذشته آلمان و مملکت پهناور زیر فرمان ناپلئون، امپراتوری به معنای امروزی این واژه بود؛ زیرا از کشورهای گوناگونی فراهم می‌آمد که هر چند به شاهنشاهی ایران وابستگی داشتند لیکن فردیت و عادت و قوانین خود را حفظ می‌کردند. نظام ایران در مرکز قوانینی چون نور می‌تاباند و هر ایالت بسته به فرهنگ و آیین خود از نور بهره می‌گرفت. امپراتوری ایران روزگاری دراز و درخشان را پشت سر گذارده است و شیوه پیوستگی بخش‌های آن چنان است که با مفهوم راستین دولت کشور بیشتر از امپراتوری‌ای دیگر مطابقت دارد. شیوه حکمرانی ایرانیان به تربیت توجه دارد. در تربیت شاهزادگان، ویژه وارثان تخت و تاج دقت بسیار به کار می‌رفت. پسران تا هفت سالگی در حرم‌سرا می‌ماندند. بعد از آن به شکار، سوارکاری و تیراندازی روانه می‌شدند. آنان آیین راستگویی می‌آموختند و مغان این وظیفه را برعهده داشتند. چهار تن از بلندمنش‌ترین پارسیان کار تربیت شاهزادگان را برعهده داشتند. ایرانیان این مردم کوهستانی و کوچ‌نشین آزاده هر چند بر سرزمین‌های توانمند و با فرهنگ فرمان‌رانده‌اند، ویژگی‌های کهن خویش را از دست نداده‌اند. شاه در این سرزمین دوستی در میان دوستان کشور و خداوندگاری بود که همه از او فرمان می‌بردند (مگال، ۱۳۶: ۱۱-۱۲؛ Hegel, 2001: 191-209).

عذر نقل این فقره بلند در مقدمه را بحیثیت نگاه متفکران صاحب‌نام جهانی به اندیشه و فرهنگ ایرانی می‌دانیم. هگل ایرانیان را به‌نگام اندیشه سیاسی و موجد نخستین دولت در تاریخ می‌داند. دولت موضوع اصلی اندیشه سیاسی است. دستیابی به قدرت سیاسی یا تصاحب دولت برای سامان‌دهی عرصه قدرت عمده می‌باشد. در جامعه و تنظیم روابط سیاسی از جذاب‌ترین عرصه‌های زندگی انسانی است. انسان به‌ارغرایش به ارتقای سطح زندگی خود داشته و این مهم را عمدتاً از طریق کسب قدرت به دست می‌داند. بنابراین اغلب تلاش کرده است تا با سازوکارهای مختلف سطح دسترسی از منابع قدرت به دست آورد. هر گروه انسانی که بتواند راه‌های عقلانی‌تری در بازی قدرت تعبیه کند می‌تواند دولتش را وارد فاز تمدن کند. چنان‌که ابن‌خلدون متفکر شهر اسلامی بر آن است که دولت زمانی می‌تواند به تمدن مبدل شود که تداوم داشته باشد، یعنی از سه نسل عمر متعارف دولت فراتر رود. این مسئله فقط از طریق عدالت دولت حاصل می‌شود؛ به عبارت دقیق‌تر تنها ساختارهای سیاسی مبتنی بر عدالت در مسیر تمدن گام

برمی دارند. دو مثال همیشگی او تمدن اسلامی و تمدن ایران باستان است. بر این اساس می توان گفت که ایران با اندیشه دوران باستان خود وارد فاز تمدن سازی شد و به نیرویی پر قدرت در عرصه اندیشه جهانی تبدیل شد؛ نیرویی که در طول سه هزار سال گذشته هیچ ساختار سیاسی جهانی و منطقه ای نتوانسته است آن را نادیده بگیرد.

دوم، درباره روش مطالعه این ساخت بسیار پراهمیت از اندیشه و عمل سیاسی در عصر باستان نیز می توان گفت که متأسفانه روش های متعدد و بعضاً نامناسبی برای بررسی اندیشه سیاسی ایران به کار گرفته شده است. اغلب این روش ها در بطن رهیافت کلی شناسایی که از مهم ترین روش شناسی های دوران مدرن است جای دارند. این روش شناسی در اندیشه ایران باستان را به مثابه ابژه نگریسته، با هستی شناسی کاملاً ماتریالیستی و بی بنیاد اندیشه سیاسی ایران باستان نظر می کند. این روش کمتر توان فهم محتوا، ساختار درونی و سنت های نظام سیاسی ایران باستان و تداوم آن تا دوره معاصر را دارد. نکته قابل توجه اینست که اغلب این روش ها به عرصه سیاست گذاری وارد شده، به ارائه راهکار برای آینده سیاسی کشور می پردازند. گاهی نتایج سیاسی برخی از این روش ها تعمیق شکاف های هویتی، عدالتی و حقوقی و نادانجامه به سوی تجدید ساختارهای ملوک الطوایفی قرون وسطی است.

دسته اول از این متفکران به اقتضای سنت روم باستان از مفهوم امپراتوری برای مطالعه نظام سیاسی ایران باستان بهره گرفته اند. به رغم ایشان امپراتوری ایران باستان واحد سرزمینی بزرگی است با ساختار بوروکراتیک پیچیده که در رأس آن فرمانده نظامی قرار دارد و ارتشی قدرتمند و مجالس اشرافی ارکان اصلی آن هستند. دسته دوم از این متفکران به اقتضای سنت جامعه شناسی غرب از مفهوم ساختار قبیله ای برای تحلیل دولت ایران باستان استفاده کرده اند. به باور آن ها در ایران باستان قبایل مختلفی زندگی می کردند که اغلب سلحشور و رفتارشان مبتنی بر عصبیت قبیله ای بود. این الگو همه دولت های ایران باستان را در چارچوب قبایل زودگذر، راهزن و غارتگر تحلیل کرده است. به زعم آن ها تولد، رشد و مرگ سلسله های باستانی مادی، هخامنشی، اشکانی و ساسانی، صرفاً جلوه ای از ظهور و سقوط عصبیت قبیله ای بوده است. دسته سوم از این متفکران به اقتضای نظریات مربوط به شیوه تولید آسیایی و استبداد شرقی متفکرانی چون کارل مارکس و انگلس در کتاب *ایدئولوژی آلمانی* و کارل ویتفوگل در کتاب *استبداد شرقی* از مفهوم استبداد شرقی برای تحلیل دولت ایران باستان استفاده کرده اند. در این مدل بر الگویی از دولت تمرکز

شده که مطلقه، متمرکز و خود کامه است. این الگو که ویژه جوامع شرقی است، شکل گیری دولت را ناشی از کمبود آب می داند و چون بخش مهمی از اقتصاد کشاورزی در دست خود دولت است لذا دولت مهم ترین رقیب جامعه بوده است و برای تصاحب و کنترل منابع آبی، دولتی قوی القوا بر فراز شبکه های آبرسانی ایجاد می کند. دولت در چین، مصر، هند و ایران باستان به علت در اختیار داشتن منابع آبی و تقسیم آن به میل خود، دولتی مطلقه و مستبد شرقی تلقی می شود. دسته چهارم از این متفکران به اقتضای نظریات کلاسیک فنودالیستی چون نظریه مارک بلوخ در کتاب *جامعه فنودالی* و نظریات مشابه داخلی آن چون *نظریه تکامل فنودالیسم در ایران* فرهاد نعمانی از نظریه فنودالیسم برای تحلیل درست ایران باستان استفاده کرده اند. به اعتقاد اصحاب این نظریه ایران نیز همچون سده های میانه اروپا دولت مرکزی نداشته است، بلکه عیلامی ها، مصری ها، اشکانی ها، پارس ها و ... که عداد آنها به چهل سرزمین نسبتاً مستقل می رسیده است با اختیارات فراوان در قالب ایالت ها، سومی زندگی می کردند. در این الگو ساخت قدرت در دست زمین داران بزرگی است که کم مزد مواجب از رعایا بهره کشی می کنند. زمین داران فقط به پادشاه مالیات اندک می دهند، البته قدرت او را مشروط و محدود می کنند.

اما این کتاب به لحاظ روش هر چند سعی دارد ترکیبی از روش های مدرن (چهارچوب جان مارو) و سنتی را در بر گیرد، کلاسیک ایران باستان ارائه دهد، ولی مسیر آن متفاوت از روش های شرق شناسانه است. از سویی، دولت ایران باستان بر مشروعیت مزدایی و پیوند دین و دولت استوار بود، مفهوم بنیادین اشته یا عدالت را مفهوم محوری خود می داند، مفهومی که کاملاً با منطق مبتنی بر سبب گرایی نظامی ساختارهای امپراتوری تفاوت دارد. دولت ایران امپراتوری غاصب و جغرافیایی نبوده است که به سنت امپراتوری های زورگوی نظامی و متجاوز رفتار کند، بلکه هر چند نهاده معابد، قنات ها، منزلگاه ها، راه ها، تنگه ها، کاروانسراها و بناهایی را ایجاد و سرزمین ایالتی تحت اقتدار خود را آباد کرده است. در ساخت سیاسی ایرانشاهی که خود پیشگام حقوق بشر و احترام به حقوق اقلیت ها بود، برده داری جایی نداشت، از این رو تفاوت های اساسی با ساخت های کلاسیک امپراتوری وجود داشت. از سوی دیگر، در ایران باستان قبیله راهزن و غارتگر که بر اساس منطق رانتی غنیمت شکل گرفته باشد قدرت برتر را نداشته است و جامعه ایران دارای طبقات یک جانشین و تولیدگر بوده است. لذا منطق قبیله نمی تواند تحلیل درستی از دولت باثبات، یک جانشین و نسبتاً متکامل ایران باستان ارائه دهد. از جانب سوم، الگوی

استبداد شرقی نیز برای نظام ایرانشاهی دوره باستان کاربرد چندانی ندارد چرا که ایران منابع آبی یکسانی نداشته و از سازوکارهای مختلف مردمی و نه حکومتی برای تقسیم آب استفاده کرده است. دولت ایرانشاهی بیش از آنکه بر زیرساخت آب پایه استوار باشد مبتنی بر مشروعیت مزدایی و خرد بوروکراتیک بوده است. بالاخره، الگوی فئودالیزم نیز توانایی تبیین ساخت دولت ایران باستان را ندارد. زیر بنای اندیشه این دولت بر همزیستی دین و دولت استوار است، در حالی که دولت فئودالی ریشه در روابط اقتصادی و شیوه‌های تولید جامعه دارد و بر اندیشه تحول خطی نظامات تولیدی استوار است.

این کتاب اندیشه سیاسی ایران باستان را با هیچ کدام از روش‌های بالا بررسی نمی‌کند، بلکه بر اساس تصورات دولت مکنون در متون و کتیبه‌های ایران باستان توجه کرده است. علاوه بر کتیبه‌های تاریخی هزار ساله آن دوران ما را در بررسی اندیشه یاری می‌کند و تقسیم‌بندی ما در کتاب بر اساس سه دوره معروف ایران باستان است. مقدمه دولت ایرانی با احترام به داور و قدسات در مگماتانه شکل می‌گیرد. حکومت دیائوکوبه عنوان حکمرانی عادل و مشروعیت مردمی قضاوت نزد مردم آغازگر امر ایرانی در تاریخ است. بعد از حکومت محلی مادها تولد دولت ایران با سلسله هخامنشیان آغاز می‌شود. کوروش بزرگ سبک نوینی از رواداری و احترام به حقوق دیگران را شکل می‌دهد که پایه‌ای اساسی برای دولت ایران می‌گردد. قبل از کوروش در سلسله‌های محلی بین‌النهرین زور و قدرت نظامی مبنای دولت بود و سنگ‌نوشته‌ها دلالت بر آن دارند که آن‌ها بیشتر می‌کشت و رعب و وحشت ایجاد می‌کرد مشروعیت شکل دهی به حکومت داشت. کوروش برای اولین بار در تاریخ بشر پایه اساسی دولت را آبادانی، آزادی، رواداری و احترام به دیگران گذاشت و عنوان کرد مردمان تحت حکمرانی او در آرامش و آسایش خواهند بود. کشور حقوق بشر کوروش عبور بشر از مرحله توحش به تمدن در امر سیاسی است و تاریخ اندیشه سیاسی را می‌توان به قبل و بعد از تولد امر ایرانی دولت‌داری تقسیم کرد. با حمله امپراطوری روم به ایران به فرماندهی اسکندر دولت هخامنشیان سقوط کرد و یونانی‌ها و رومی‌ها در ایران نفوذ پیدا کردند. کمتر از یک قرن ایرانیان از خطه خراسان یعنی سلحشوران اشکانی سلسله ایرانی اشکانیان را تأسیس کردند. اشکانیان نزدیک پنج قرن دولت مشروطه با مجالسی قدرتمند را شکل دادند. خاندان‌های ایرانی در این دولت نقش داشتند یعنی آنان که داریوش را از گئوماته نجات دادند و نام‌هایشان در کتیبه بیستون آمده است. در این سلسله شهردولت‌هایی شبیه به یونان باستان در ایران با مجالس مشروطه و تابعیت

دولت مرکزی شکل گرفت که بر اساس رواداری مذهبی و تکثر فرهنگی هخامنشیان اداره می‌گردید. در پایان قرن پنجم در ایالت فارس یک زرتشتی متعصب به نام اردشیر پاپکان توانست با احساسات مذهبی مردم را با خود همراه کند و سلسله ساسانیان را تأسیس کند. اردشیر پاپکان اعتقاد داشت اشکانیان بیش از اندازه به الگوهای رومی نزدیک شده‌اند و باید از دین مزدایی به صورت رسمی حمایت کرد. پیوند دین و دولت به صورت مبنای قرار دادن دین زرتشت در دولت ایرانشاهی ساسانیان صورتی رسمی پیدا کرد. ساسانیان چهار قرن بر ایران حکومت کردند و به شکل رسمی از همه مبنای دولت ایرانشاهی دفاع کردند. سیاست داخلی و خارجی ساسانیان بر الگوی دولت ایرانی استوار بود. در این الگو تمرکز بر ایمنی، امنیت و حمایت از دین رسمی وجود داشت. دولت ساسانیان از بوروکراسی تخصصی برخوردار بود و دایره نفوذ و جامعه‌پذیری سیاسی را تا سطوح مردمی اجتماع با سازوکار نظام - ریشکشی و ضمانت اجرایی دین زرتشتی بسط داد. البته همه این داده‌ها با استفاد از روش چهره‌رویی جان مارو با محوریت غایت امر سیاسی، کیستی حاکم، چگونگی اعمال قدرت و مایه‌و عینیت سیاسی در این کتاب سامان یافته‌اند.

به هر تقدیر دولت‌های ایران بر اساس بنیان‌های اندیشگی و هستی‌شناختی خود توانستند هزار و اندی سال مداوم پدا کنند. هیچ دولت متداوم و باشکوهی را در تاریخ نمی‌توان یافت که بدون مبنای فکری و اندیشه‌ای توانسته باشد تداوم یابد. چنان‌که هگل ایرانیان را آغازگر اندیشه دولت در تاریخ تمدن به شمار می‌آورد. این کتاب از منظر اندیشه سیاسی ایران با تمرکز بر متون به بررسی دوره باستانی و با استفاده از الگوی اندیشه‌شناختی جان مارو سعی کرده است تصویری روشن از اندیشه سیاسی این دوران را ترسیم کند.

شجاع احمدوند
روح‌الله اسلامی